

جرم انگاری جرایم بانکی و پاسخ شناسی آن در سیاست گذاری های پولی و بانکی		
وابستگی سازمانی	نویسندگان	
استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران	حسین بیگه *	
چکیده	اطلاعات مقاله	
موضوع سیاست گذاری در قبال جرائم خاص بانکی و پاسخ شناسی آن و مقابله با آن جرائم در ابعاد بین المللی و داخلی کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است تا جایی که گروه اقدام مالی و حتی بانک تسویه بین المللی با عنایت به این استانداردها به رتبه بندی بانکها و سبک های مترتب بر آن در کشورها مبادرت می نمایند. از این رو، هدف این پژوهش تبیین سیاست گذاری های پولی و بانکی و بررسی جرم انگاری آن جرایم با تکیه بر اسناد بین المللی است. تحقیق حاضر بر اساس روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه ای نگاشته شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که سیاست جنایی واکنشی با محوریت کیفرانگاری برای از بین بردن ریشه های جرائم بانکی سودمند نبوده است. بر پایه نتایج این تحقیق، با توجه به پیامدهای جرم شناختی و آثار زیان باری که جرائم بانکی بر جنبه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظام پولی و بانکی کشور به جای می گذارد، تردیدی در لزوم جرم انگاشتن و تعیین مجازات برای این نوع فعالیت های مجرمانه باقی نمی ماند. از این رو، در این نگارش نسبت به شناسایی مبانی و مستندات مصادیق جرائم بانکی، سپس جرم انگاری و پاسخ های نظام کیفری و غیر کیفری در قبال جرائم بانکی در سیاست گذاری قانونی در حقوق داخلی و اسناد بین المللی بررسی می گردد.	نوع مقاله پژوهشی	
	صفحه	۶۸ - ۸۴
	دوره ۱، شماره ۲	
	اطلاعات نویسنده مسئول	
	نویسنده مسئول حسین بیگه	
	کد ارکید .....	
	تلفن ۰۹۱۴۴۲۱۴۵۲۶	
	ایمیل husseinbeigi26@yahoo.com	
	سابقه مقاله	
	تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۱/۱۰	
	تاریخ ویرایش ۱۴۰۳/۱۲/۰۱	
	تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۱۲/۱۵	
	تاریخ انتشار ۱۴۰۳/۱۲/۱۸	
	روش پژوهش توصیفی تحلیلی	
جرم بانکی، سیاست جنایی، پاسخ نظام کیفری، پاسخ کیفری، مقررات بین المللی	واژگان کلیدی	
توضیحات		
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.		
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.		
نحوه استناد دهی	بیگه، حسین (۱۴۰۳)، جرم انگاری جرایم بانکی و پاسخ شناسی آن در سیاست گذاری های پولی و بانکی، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، صفحات ۶۸ - ۸۴	

<b>Criminalization of Banking Crimes &amp; Its Response in Monetary &amp; Banking Policies</b>	
<b>Authors</b>	
Hossein Beigi*	
<b>Organizational Affiliation</b>	
Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh, Iran	
<b>Article Information</b>	
<b>Article Type</b>	Research
<b>Pages</b>	68 - 84
<b>Volume 1, Issue 2</b>	
<b>Corresponding Author's Info</b>	
<b>Corresponding Author's</b>	Hossein Beigi
<b>ORCID</b>	0000 – 0000 – 0000 - 0000
<b>Tell</b>	09144214526
<b>Email</b>	husseinbeigi26@yahoo.com
<b>Article History</b>	
<b>Received</b>	2025/01/29
<b>Revised</b>	2025/02/19
<b>Accepted</b>	2025/03/05
<b>Published Online</b>	2025/03/08
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical
<b>Abstract</b>	
The issue of policymaking regarding specific banking crimes and its response and dealing with those crimes in the international and domestic dimensions of countries is of particular importance to the extent that the Financial Action Task Force and even the Bank for International Settlements, taking into account these standards, attempt to rank banks and the resulting styles in countries. Therefore, the purpose of this research is to explain monetary and banking policies and examine the criminalization of those crimes based on international documents. The present research is based on a descriptive and analytical method and on library documents and resources. The findings of this research show that a reactive criminal policy centered on punishment has not been beneficial in eliminating the roots of banking crimes. Based on the results of this research, considering the criminological consequences and the harmful effects that banking crimes have on the economic, social, political, and monetary and banking systems of the country, there is no doubt about the necessity of criminalizing and determining punishment for this type of criminal activity. Therefore, this article examines the identification of the foundations and documentation of examples of banking crimes, then the criminalization and responses of the criminal and non-criminal systems to banking crimes in legal policy-making in domestic law and international documents.	
<b>Keywords</b>	<i>Banking Crime, Criminal Policy, Criminal System Response, Criminal Response, International Regulations</i>
<b>Description</b>	
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>	
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>	
<b>How to Cite This Article</b>	Beigi, Hossein (2025), Criminalization of Banking Crimes & Its Response in Monetary & Banking Policies, Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 1, Issue 2, Pages 68 - 84

## ۱- مقدمه

تحصیل درآمدهای غیرقانونی در مؤسسات پولی و بانکی یا به عبارت دیگر، جرائم بانکی در صورتی که با موفقیت روبه‌رو شود، آثار منفی فراوانی در زمینه‌های اقتصاد، امنیت، تعادل سیاسی و حتی دستگاه عدالت قضایی به‌جای می‌گذارد. بنابراین برای پیشگیری از این جرائم باید راهکارهایی را در پیش گرفت. از جمله این راهکارها می‌توان به بالا بردن هزینه ارتکاب جرم در مقابل سود ناشی از ارتکاب جرم اشاره نمود. از سوی دیگر، جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای رفتار غیرقانونی، هزینه ارتکاب آن رفتار مجرمانه را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. زیرا اگر در برابر یک رفتار غیرقانونی، پاسخ غیر کیفری باشد هزینه ارتکاب جرم چندان بالا نیست، ولی چنانچه واکنش در برابر آن رفتار، کیفری و به صورت مجازات باشد هزینه ارتکاب جرم بالاتر می‌رود. بنابراین مسئله جرم‌انگاری یک رفتار غیرقانونی عامل مهمی برای مقابله با آن محسوب می‌گردد و جرم‌انگاری جرائم بانکی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

جرائم بانکی از جمله جرائم اقتصادی محسوب شده که به‌طور مشخص با اموری در ارتباط هستند که به پول مربوط می‌شود. در بیان مصادیق جرائم بانکی می‌توان به جرائم مرتبط با ارز مانند قاچاق ارز، اخلاف در بورس، تبانی در صدور بیمه‌نامه‌های دولتی و خصوصی، دریافت خسارت با جعل مدارک از بیمه، جرائم مالیاتی مرتبط با پول که می‌تواند جرائم و تبانی عمدۀ در بحث فرار مالیاتی و تبانی با مأموران و ممیزین مالیاتی را شامل شود، دریافت وام‌های کلان و با بهره اندک از طریق اسناد جعلی، کسب اعتبار اسنادی و گشایش اعتبارات اسنادی خلاف اسناد واردات و صادرات، استفاده اعتبارات اخذشده در محلی غیر از محل تصویب، تقلب در معاملات بورس، تبانی و تقلب در توزیع ارز در صرافی‌ها، خریدوفروش ارز خارجی بدون مجوز بانک مرکزی، تشکیل یا تأسیس بانک یا موسسه اعتباری یا تعاونی مالی و پولی بدون مجوز بانک مرکزی و جابه‌جایی سرمایه‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجاز تحت نظر بانک مرکزی به نام اشخاص ثالث اشاره نمود که علی‌القاعده قابل‌طرح در دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم پولی و بانکی هستند. در این میان، بانکداری الکترونیکی و پاسخ‌شناسی در قبال رفتارهای مجرمانه متناسب با این نظام بانکداری در سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام بانکداری نوین با توجه به این‌که انجام خدمات بانکی با استفاده از شبکه جهانی اینترنت صورت می‌پذیرد و مشتریان می‌توانند با استفاده از رایانه و اتصال به اینترنت، عملیات بانکی موردنظر خود را انجام داده و به خدماتی از قبیل اطلاعات حساب، مرور صورت حساب، جابه‌جایی وجوه، درخواست اعتبار یا دادوستدهای امن دسترسی پیدا کنند. لذا تبیین جرم‌انگاری فرار از مالیات، دسترسی غیرمجاز، کلاهبرداری و ضرورت جرم‌انگاری سایر جرائم مرتبط با این نوع بانکداری نیز اهمیت دوچندان پیدا می‌کند.

در ابتدای امر چنین به نظر می‌رسد که جرم‌انگاشتن فعالیت‌های پولی و بانکی نظیر عملیات پول‌شویی با ایرادهایی روبه‌رو بوده و با برخی از اصول حقوقی و قواعد فقهی همچون قاعده ید، قاعده سوق و قاعده صحت در تعارض می‌باشد. بر پایه این قواعد، اگر شخصی مبلغی پول یا شیئی گران‌قیمتی در اختیار داشته باشد، این حلیت، صحت و استیلا به وی اجازه می‌دهد که مثلاً آن پول را به حساب بانکی واریز نموده یا با آن کالاهایی بخرد یا آن را به حساب دیگری در نقطه‌ای دیگر منتقل نماید و یا این‌که شیئی گران‌قیمت را به فروش رسانده یا آن را هبه نموده یا عمل دیگری با آن انجام دهد. لیکن با توجه به پیامدهای جرم‌شناختی و آثار زیان‌باری که جرائم بانکی بر جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظام پولی و بانکی کشور به‌جای می‌گذارد، تردیدی در لزوم جرم‌انگاشتن و تعیین مجازات برای این نوع فعالیت‌های مجرمانه باقی نمی‌ماند. از این‌رو، ابتدا سعی می‌شود در جهت رعایت جرم‌انگاری حداقلی و پرهیز از ایرادهای مداخله کیفری در حوزه نظام بانکی، مبانی و مستندات مصادیق جرائم بانکی شناسایی شود. سپس به بررسی پاسخ‌های نظام کیفری و غیر کیفری در قبال جرائم بانکی در سیاست‌گذاری قانونی در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی اشاره خواهیم کرد.

## ۲- پیشینه شناسی

**بیگی و بیگی واحدی (۱۴۰۰)**، با نگارش مقاله ای در موضوع «راهبردنگاری جرائم بانکی در سیاست گذاری های پولی و بانکی»، به جرائم بانکی را بررسی و مورد مطالعه قرار داده و برای جرم انگاری آن راهبردهایی را پیشنهاد داده اند و نیز اعلام کرده اند که با جرم زدایی از عناوین مجرمانه بانکی غیر ضروری، جرم انگاری جرایم نوظهور در حوزه بانکداری الکترونیکی و به طور کلی تصویب قانون جامع مدیریت نظام بانکی می توان از اثرهای سوء جرایم بانکی در جامعه کاست و در نهایت شاهد کاهش بزهکاری در حوزه پولی، ارزی و بانکی شد.

**ویلا<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)**، با نگارش کتابی در موضوع «جرائم بانکی: کلاهبرداری، پول شویی و اختلاس<sup>۲</sup>»، کلاهبرداری، پول شویی و اختلاس را ذیل عنوان «جرائم بانکی<sup>۳</sup>» مطالعه نموده است. حق حفظ حریم خصوصی مالی، قانون رشوه بانکی، اعمال قوانین مربوط به کلاهبرداری بانکها، مقررات پول شویی، مقررات سوءاستفاده و اختلاس و الزامات مراجعه به مؤسسات مالی از جمله مباحث خاص مطرح شده در این پژوهش هستند.

**کمیته اجرایی دولت<sup>۴</sup> (۲۰۱۹)**، گزارشی با عنوان «جرائم علیه مؤسسات بانکی<sup>۵</sup>» تحت مجموعه امور حقوقی و پولی، در جلسات دادرسی کمیته اجرایی دولت در مجلس ایالات متحده آمریکا، طی جلسه اول کنگره هشتاد و هشتم در ۱۵ اکتبر ۱۹۶۳ ارائه نمود. کمیته قضایی مجلس سنا ایالات متحده آمریکا<sup>۶</sup> (۱۹۷۹)، گزارشی با موضوع «جرائم شدید FBI علیه برنامه مؤسسات بانکی<sup>۷</sup>» را در ۱۸ آگوست ۱۹۷۸ مورد رسیدگی قرارداد. انستیتوی امور مالی بین المللی<sup>۸</sup> هم با انجام تحقیق با عنوان «چارچوب جهانی مبارزه با جرم مالی؛ افزایش اثربخشی و بهبود نتایج<sup>۹</sup>» معتقدند که اصلاحات قانونی، تحولات فرهنگی و به کارگیری فناوری جدید می تواند کارایی دولت ها را در اجرای قانون و صنعت مالی را برای مقابله با تهدیدهای ناشی از بزهکاری پولی و بانکی بهبود بخشد.

**کبیری و شفیع خورشیدی (۱۳۹۷)**، با انجام تحقیقی در موضوع «اخلال در نظام اقتصادی کشور» معتقدند که اتخاذ سیاست های سرکوبگرانه در قبال اخلال در نظام اقتصادی کشور از جمله جرم اخلال در نظام پولی و بانکی، به تنهایی نمی تواند موجب مهار این جرائم و پیامدهای اجتماعی و امنیتی آنها به دلیل سازمان یافته و یقه سفید بودن بزهکاران آنها گردد. لذا علاوه بر آن، نیازمند اتخاذ تدابیر پیشگیرانه به ویژه تدوین قوانین ماهوی و شکلی متناسب و روزآمد، اصلاح ساختار اقتصادی کشور به خصوص در شرایط تحریمی و اجرای سیاست های کوچک سازی واقعی دولت و رعایت شایسته سالاری، سلامت و شفافیت فرایندها، پاسخ گویی و نظارت هست.

**ابوالحسنی هستیانی و دانیالی (۱۳۹۷)**، با نگارش مقاله ای تحت عنوان «تدوین الگوی راهبردی پیشگیری از پول شویی در ساختار بانکی کشور (مطالعه موردی بانک صادرات ایران)»، پیاده سازی نظامها و دستورالعمل های مرتبط با قوانین مبارزه با پول شویی در سیستم های بانکی کشورها را برای مراودات بین المللی ضروری دانسته اند. نتایج میدانی این پژوهش نشان می دهد که اقدام های به عمل آمده در ایران در زمینه پیشگیری و مقابله با پول شویی با استانداردهای بین المللی تدوین شده از طریق گروه مالی انطباق کامل ندارند.

1. John K. Villa.

2. Banking Crimes: Fraud, Money Laundering, & Embezzlement.

3. Banking Crimes.

4. Committee on Government Operations.

5. Crimes against Banking Institutions.

6. U.S. Senate, Committee on the Judiciary.

7. FBI Forcible Crimes against Banking Institutions Program.

8. The Institute of International Finance.

9. The global framework for fighting financial crime; enhancing effectiveness & improving outcomes.

**شیری (۱۳۹۷)**، با انجام پژوهش «سیاست‌گذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان»، مهم‌ترین اهداف دولت در جامعه را برقراری نظم و امنیت دانسته است که بدون تحقق آن‌ها، امکان اجرای برنامه‌های دولت در اقتصاد، صنعت، کشاورزی و فرهنگ فراهم نخواهد شد. به نظر ایشان، در گذشته محور سیاست‌گذاری‌های جنایی، تعقیب و مجازات بزه‌کاران بوده و تأمین امنیت و نظم در گرو مجازات‌های سرکوبگر و تنبیهی بوده است. لیکن تحولات بزه‌دیده‌شناسی رفته‌رفته، توجه به حقوق بزه‌دیدگان را از محورهای مهم سیاست‌گذاری‌های جنایی قرار داده است.

**رجبیه و توکلی (۱۳۹۶)**، در پژوهشی با عنوان «پیشگیری از جرائم بانکی با تأکید بر اصلاح ساختار بانک‌ها در نظام حقوقی ایران»، برای بانک‌ها در ایران، نقش اولیه و اساسی در حیات اقتصادی جامعه قائل شده‌اند. به نظر آن‌ها، مهم‌ترین جرائم اقتصادی در حوزه بانک‌های ایران روی می‌دهد. به طوری که مهم‌ترین پرونده‌های اقتصادی و کیفری در دهه‌های اخیر مربوط به جرائمی بوده است که از طریق بانک‌ها روی داده است. در نتیجه پیشگیری از جرائم بانکی امری ضروری و لازم است. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که در حوزه پیشگیری از جرائم بانکی، علاوه بر استفاده از تمامی روش‌های موجود برای پیشگیری از جرم از جمله پیشگیری وضعی از جرم، آنچه ضروری‌تر و لازم‌تر است، اصلاح ساختار بانک‌های ایران است و تا زمانی که بانک‌های دولتی با برخورداری از حمایت‌های دولت، به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی واقعی عمل نکنند، شاهد ارتکاب جرائم بانکی در سطح گسترده خواهیم بود؛ بنابراین مهم‌ترین راه‌حل اساسی کاهش جرائم بانکی، اصلاح ساختار بانک‌ها و استقرار حاکمیت شرکتی در آن‌ها است.

**مولیگان<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)**، در رساله دکتری با عنوان «ارزیابی کنترل اجتماعی جرائم بانکی: بررسی خلأها و موفقیت‌های صنعت در مقابله با پول‌شویی»، پول‌شویی را از منظر جرم‌شناسی بررسی و جنبه‌های تنظیم و کنترل اجتماعی آن را در صنعت بانکداری ارزیابی نموده است. اهمیت و جهت‌های متعددی را برای تحقیقات جنایی آتی در مورد نقض پول‌شویی در صنعت بانکی مطرح نموده و برای تأثیرگذاری بر برخی از کنترل‌های اجتماعی، اصلاحات نظارتی گسترده‌تر و متناسب‌تر برای اقدام‌های موفقیت‌آمیز صنعت بانکداری پیشنهاد نموده است.

**کونو-الن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)**، در تحقیقی با عنوان «راهنمایی برای بانکداران در پیشگیری از تقلب و کلاهبرداری و پول‌شویی در معاملات اعتبار اسنادی<sup>۳</sup>»، زمینه‌ها و شیوه‌های تقلب، کلاهبرداری و پول‌شویی در معاملات اعتبار اسنادی را تبیین نموده و راهکارهایی را برای بانکداران جهت پیشگیری از این جرائم بانکی ارائه نموده است.

به جهت خلا تحقیقات انجام‌یافته درباره جرائم بانکی از منظر مطالعات سیاست جنایی، این پژوهش پاسخ‌های کیفری و غیر کیفری ایران در قبال جرائم بانکی را با تکیه بر اسناد بین‌المللی بر اساس راهبردهای پیشینی و پسینی ناظر بر این جرائم تبیین می‌نماید. از این‌رو ضمن شناسایی مصادیق جرائم بانکی در مقررات ایران، تلاش می‌کند تا این پاسخ‌ها را به جهت بروز و افزایش این جرائم آسیب‌شناسی نماید.

## ۳- جرم‌انگاری جرایم بانکی

بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی که بر اساس نیازهای اجتماعی و اقتصادی، به تدریج شکل گرفته است؛ امروزه نبض اقتصاد هر کشور وابسته به این مؤسسات و نهادهاست. به دلیل زمینه اقتصادی برخی از جرائم پولی ارتكابی در بانک‌ها، قانون‌گذار اقدام به جرم‌انگاری برخی از رفتارهای خلاف قانون نموده است تا زمینه اعتماد مردم به نظام پولی و بانکی را به‌نوعی تضمین نماید. از سوی دیگر، پیشرفت فناوری علاوه بر مزایا و محاسن که برای بشر داشته، در برخی مواقع بستر تاخت‌وتاز برخی بزه‌کاران باهوش را فراهم نموده است تا با استفاده از این

1. Erin M. Mulligan.

2. Evaluating the Social Control of Banking Crimes: An Examination of Anti-Money Laundering Deficiencies and Industry Success.

3. S. Lin Kuo-Ellen.

4. A Banker's Guide to the Prevention of Fraud and Money Laundering in Documentary Credit Transactions.

فناوری‌ها در محیط مجازی و الکترونیکی به ارتکاب جرائمی بپردازند که در مقایسه با جرائم سنتی بانکی، آمار آن‌ها هر روز، رو به فزونی می‌یابد (پرنیا باران، ۱۳۸۹: ۲). در این بین، نبود قوانین متناسب با ساختار ارائه خدمات نوین بانکی و عدم تحول نظام بانکی با پیشرفت‌های جدید در ارتباط با خدمات الکترونیکی و ضعف سیستم‌های کنترلی از جمله مشکلات پیشروی نظام بانکداری الکترونیک می‌باشد. لذا سعی گردیده است تا ضمن معرفی جرائم بانکی سنتی و نوین در سیستم نظام بانکداری الکترونیک و تبیین فعالیت‌های غیرمجاز در نظام بانکداری، زوایایی از خلاءهای قانونی موجود در مواجهه با جرائم نوظهور بانکی با توجه به اسناد بین‌المللی ارائه گردد.

### ۳-۱- جرایم بانکی در نظام بانکداری سنتی

ماهیت فعالیت بانک‌ها به‌گونه‌ای است که اگرچه ظاهراً علامتی از بحران و یا ورشکستگی از خود نشان نمی‌دهند، ولی می‌توانند بحران‌های پنهان را به حالت‌های گوناگون با خود حمل نمایند و این بحران‌ها، مسئولان نهادهای نظارتی و اجرایی سیستم‌های مالی را بر آن داشت تا مدیریت جرائم بانکی نهادهای مالی و به‌خصوص بانک‌ها را با جدیت بیش‌تر مورد توجه قرار دهند (Pandey, 2015: 241). این نگرانی تا حدی اهمیت پیدا کرده است که بانک تسویه حساب بین‌الملل و کمیته بال دستورالعمل‌های خاصی را برای اعمال مدیریت ریسک ناشی از جرائم و تخلفات در بانک‌ها تهیه نموده‌اند. لیکن در راستای ملاحظه شرایط و اوضاع و احوال هر کدام از این جرائم، به روشی نظام‌مند بر حسب دولتی و خصوصی بودن بانک، شایسته است جرائم بانکی را در دو گروه کلی تقسیم‌بندی نمائیم.

### ۳-۲- جرائم بانکی در نظام بانکداری دولتی

دولتی شدن بانک‌ها بعد از انقلاب اسلامی حرکتی نادرست بود. چراکه در اقتصاد خصوصی، بانک دولتی مفهومی ندارد. بدین‌سان احتمال می‌رود هرگونه نقص، ناکارایی، تخلف و سوءاستفاده پولی هزینه بیش‌تری را در مقایسه با سایر صنایع به اقتصاد وارد کند. با توجه به دولتی بودن ساختار بانک‌های بزرگ کشور، توجه به حمایت از منابع مالی این گروه از بانک‌ها ضروری است. به خصوص پایین بودن نرخ سود سپرده در بانک‌های دولتی در مقایسه با بانک‌های خصوصی و شکل‌گیری مشکل جذب سپرده در این گروه از بانک‌ها، به‌ضرورت جرم‌انگاری جرائم بانکی در تأمین مالی این بانک‌ها می‌افزاید.

### ۳-۳- جرائم بانکی در نظام بانکداری خصوصی

دولت می‌تواند با تسهیل ورود بخش خصوصی به شبکه بانکی، سهم بانک‌های خصوصی را در بازار بانکی افزایش داده و موجب افزایش رقابت و بهبود عملکرد بانک‌ها در شبکه بانکی شود. با توجه به این که ۶۰ درصد دارایی شبکه بانکی متعلق به بانک‌های دولتی است که درجه رقابت‌پذیری کم‌تری از بانک‌های خصوصی دارند، بنابراین کاهش اندازه بانک‌های دولتی و واگذاری بخشی از بانک‌های دولتی به بخش خصوصی می‌تواند میزان تمرکز در بازار بانکی کشور را کاهش داده و باعث افزایش رقابت‌پذیری و نیز کارایی در بازار بانکی کشور شود. از آنجاکه بانک‌های بزرگ کشور بیش‌ترین سهم را در مطالبات غیر جاری دارند، اما از سرمایه لازم برای پوشش آن برخوردار نیستند، این امر لزوم توجه به ساختار سرمایه و ضرورت توجه به مدیریت ریسک اعتباری این دسته از بانک‌ها را بیش‌ازپیش روشن می‌نماید. افزایش رقابت و کارایی در بازار بانکی می‌تواند باعث افزایش کیفیت و تنوع خدمات بانکی و نیز کاهش هزینه‌های مبادلاتی شود. با توجه به نقش بانک‌ها در اقتصاد، رقابتی بودن یا نبودن آن‌ها می‌تواند نشان‌دهنده توانایی بانک‌ها در اثرگذاری بر اقتصاد باشد. شناسایی و تشخیص وضعیت رقابتی بازار بانکی کشور می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام بانکی کشور کمک نماید تا نظام بانکی را به سمت رقابتی شدن و کارایی بیش‌تر هدایت نمایند. بدون آگاهی از ساختار شبکه بانکی کشور، ایجاد تغییرات ساختاری و صرف هزینه برای پیشبرد سیستم بانکی کشور

به سمت کارایی و رقابت بیش تر، ممکن است ناکارآمد بوده و نتیجه مطلوب به دست ندهد. با این وصف و در شرایطی که اقتصاد ایران در حال افزایش تعداد بانک‌های خصوصی است، توجه به اصلاحات ساختاری در بانکداری و تحقیق در مورد سهم جرائم بانکی در نظام بانکداری خصوصی دارای اهمیت است.

### ۳-۴- جرائم بانکی در نظام بانکداری الکترونیک

بانکداری الکترونیکی نوع خاصی از بانکداری است که جهت ارائه سرویس به مشتریان خود از یک محیط الکترونیکی مانند اینترنت استفاده می‌نماید. در این نوع بانک تمامی عملیات بانکی اعم از دریافت یا واریز پول، تأیید امضا، ملاحظه موجودی و دیگر عملیات بانکی به صورت الکترونیکی انجام می‌شود. در نظام بانکداری الکترونیک، استفاده از فناوری‌های پیشرفته نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مبتنی بر شبکه و مخابرات برای تبادل منابع و اطلاعات مالی به صورت الکترونیکی است که می‌تواند باعث حذف نیاز به حضور فیزیکی مشتری در شعب بانکها شود. به کارگیری فناوری اطلاعات در نظام نوین بانکداری، راه‌حلی است که وجود آورده که انقلابی را در این عرصه در پی داشته است و راه را برای جهانی شدن بانکها و پیاده‌سازی تجارت الکترونیک، به معنای واقعی، هموار ساخته است (تقوی فرد و برزده، ۱۳۹۴: ۲۱). دو نوع کلی از مدل‌های بانکداری الکترونیکی وجود دارد. مدل نخست، بانک‌های الکترونیکی بوده که در واقع موسسه‌ای است که فقط روی اینترنت موجود است و دارای هیچ‌گونه شعب فیزیکی نیست. در مدل شعبات الکترونیکی هم بانک‌های معمولی و مرسوم، خدمات بانک الکترونیکی را به کاربران خود ارائه می‌دهند. علت وجود این مدل این است که تمامی کاربران اینترنت و مشتریان بانکها از خدمات بانک‌های الکترونیکی استفاده نمی‌کنند. از حیث روش‌های ارائه خدمات هم بانکداری الکترونیکی بر دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود: نخست، بانکداری دوگانه که ترکیبی از کانال‌های تحویل الکترونیکی و بانکداری سنتی است. بانک‌هایی که فعالیت بانکداری مرسوم را که در آن خدمات بانکی با مراجعه مستقیم مشتریان و در محلی مانند اداره انجام می‌شود، همراه با ارائه خدمات بانکداری اینترنتی انجام می‌دهند، در این دسته جای می‌گیرند. دوم بانک‌های مجازی هستند که صرفاً تولیدات و خدمات خود را از طریق کانال‌های توزیع الکترونیکی بدون وجود شعبه انجام می‌دهند. این‌گونه بانکها به دلیل صرفه‌جویی‌هایی که از هزینه‌های غیرمستقیم بهره‌مند می‌شوند، معمولاً سودی بالاتر از حد متوسط آن کشور پرداخت نموده و صرفاً در اینترنت موجود می‌باشند. لذا بانکداری مجازی به معنای استفاده از اینترنت جهت انجام عملیات بانکی و عدم حضور فیزیکی در شعبه‌های بانکها است (سعیدی مهرآباد و جهانگرد، ۱۳۸۸: ۴۱).

### ۴- پاسخ شناسی جرائم بانکی در نظام سیاست‌گذاری قانونی

موازین شرعی و اصول قانون اساسی، دو مبنای اصلی در نظام تقنینی ایران محسوب می‌شوند. پس از آن سیاست‌های کلی که در اسناد بالادستی و فرائقینی قانون‌گذاری می‌شوند، در کنار مقررات فروتقنینی، قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان اسناد میانی، پایه‌های اصلی در نظام سیاست‌گذاری قانونی را تشکیل می‌دهند. لذا سیاست‌گذاری قانونی در ایران بیش‌تر تحت تأثیر سیاست‌های کلی نظام مصوب رهبری، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و سیاست‌های رسمی به‌کاررفته شده توسط قوه قضاییه، قرار دارد (شیری، ۱۳۹۷: ۱۰۴). سیاست‌گذاری جنایی به‌عنوان شاخه‌ای از سیاست‌گذاری قانونی، پدیده بزهکاری را مورد توجه قرار می‌دهد. بدین ترتیب بخشی از سیاست‌گذاری‌های جنایی تقنینی به موضوع پاسخ شناسی در قبال بزهکاری و راهکارهای کاهش و کنترل جرم می‌پردازد. در کنار نهادهای سیاست‌گذار جنایی تقنینی پیش‌گفته، به‌منظور پاسخ به تخلفات پولی و بانکی، مطابق مقررات قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان تنظیم‌کننده نظام

پولی و اعتباری کشور، موظف به تنظیم مقررات مربوط به صدور و ورود ارز و پول رایج ایران و معاملات ارزی و تعهد و یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار، مقررات مربوط به معاملات طلا با تصویب هیأت وزیران، تعیین‌کننده مقررات برای مؤسسات اعتباری غیر بانکی و کلیه مقررات، مصوبات یا بخشنامه‌های ناظر بر نظام پولی و اعتباری کشور است.

#### ۴-۱- پاسخ‌های نظام کیفری

به‌طور کلی پاسخ‌های نظام کیفری به بزهکاری از طریق مکانیسم جرم‌انگاری صورت می‌پذیرد. جرم‌انگاری فرایندی است که به‌موجب آن قانون‌گذار فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌نماید. این مهم در نظام کیفری ایران، با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی باید «در حدود مقرر در قانون اساسی» صورت گیرد. با توجه به اصل یادشده، اختیار مجلس شورای اسلامی در وضع مقررات کیفری و جرم‌انگاری بی‌حد و حصر نیست، بلکه تابع محدودیت‌های مقرر در قانون اساسی می‌باشد. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی باید در حدود اصول و موازین اسلامی اقدام به جرم‌انگاری نماید. با توجه به اصول شرعی و قانون اساسی اصل بر اباحت و برائت و مصونیت فردی بوده و استثناء بر آن اصول، نیازمند دلیل است. جرم‌انگاری در حدود مقرر در قانون اساسی به شهروندان این اطمینان را می‌دهد که آزادی، جان، مال، حیثیت و امنیت آنان مورد تعرض قانونی قرار نخواهد گرفت مگر این‌که طبق قانون اساسی، استحقاق آن را داشته باشند. در واقع مهم‌ترین کارکرد جرم‌انگاری دستور گرا، ایجاد توازن بین حقوق و آزادی‌های فردی و مصلحت عمومی است و نقش شورای نگهبان در این خصوص بسیار پررنگ و تعیین‌کننده است (نجفی توانا و مصطفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۷). پاسخ‌های نظام کیفری، مهم‌ترین حوزه حقوق کیفری به شمار می‌آیند. ولی دخالت بیش‌ازحد دولت در این بخش از حقوق کیفری چالش‌هایی به همراه خواهد داشت. تحولاتی که در قوانین کیفری از ناحیه سیاست‌گذاران و حاکمیت انجام می‌شود مصداق بارزی از این دخالت است. در حالی که سایر حوزه‌های حقوق اغلب به تنظیم روابط مالی و مقررات و ضوابط ناظر به انتقال و تعدیل منابع مالی می‌پردازند، قانون‌گذاری در این حوزه‌ها به‌طور مستمر دچار دگرگونی نمی‌شود؛ اما پاسخ‌های کیفری که علیه بزهکاران اعمال می‌شوند اغلب حقوق و منافع فردی اشخاص نظیر حق بر آزادی را محدود می‌نماید. لذا به لحاظ امکان دخالت دولت در تغییر پاسخ‌های کیفری، این بخش از حقوق کیفری غیر منسجم‌ترین و بی‌چارچوب‌ترین بخش حقوق کیفری است. (Freckelton, 1996: 15) این نقص در تعیین توجیه کیفردهی از نظر برخی از حقوق‌دانان، «نظام کافه‌تریایی» تعیین کیفر شناخته شده است. (Ashworth, 2000: 337) در این نظام، تعیین‌کنندگان مجازات این اجازه را دارند که در زمان مقتضی با محدودیت‌های جزئی، توجیهی از کیفر را که به نظرشان مناسب می‌رسد، انتخاب نمایند. موضوع اصلی که باید در این فرآیند مورد توجه قرار گیرد انواع مختلف پاسخ‌های موجود در این نظام کیفری و عوامل مربوط به تعیین این پاسخ‌ها است. تناسب جرم و کیفر و ارزیابی احکام صادره در مراحل بالاتر مستلزم وجود نظام کیفردهی است که در آن قضات بتوانند بر اساس شاخص‌هایی این تناسب را احراز نمایند. وجود دو نظام استخدامی و تغییر وضعیت استخدامی از دولتی به خصوصی در بانک‌ها به چالشی جدی و عمیق و عملاً مانعی مهم در مقابله با فساد و جرائم اقتصادی تبدیل شده و کارمندان بانک‌ها را تحت دو نظام منفک و مجزا قرار داده است. این در حالی است که از دیدگاه جرم‌شناسی و اصول حاکم بر مجازات‌ها با وحدت فعل، شیوه و روش، نوع و کیفیت ارتکاب جرم، صرفاً با تغییر ماهیت استخدامی، ایجاد تفاوت فاحش در ضمانت اجراها و قرارهای تأمین صادره فاقد توجیه است. در واقع تفاوت در ماهیت استخدامی یا تغییر و تبدیل ماهیت استخدامی از مقررات استخدام کشوری به مقررات قانون کار سبب ایجاد تفاوت در آرای محاکم در خصوص اعمال مشابه گردیده و این امر چالشی جدی در پاسخ‌دهی به جرائم کارکنان بانک‌ها محسوب می‌شود (ساداتی و قربان پور، ۱۳۹۸: ۹۹).

## ۴-۲- پاسخ‌های مالی

پاسخ‌های نظام کیفری ایران به نحو پیش‌بینی‌شده در مقررات حاکم بر جرائم پولی و بانکی را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به دودسته مالی و غیرمالی تقسیم نمود. پاسخ مالی، عبارت است از اخذ مال، اعم از منقول یا غیرمنقول از بزهکار. این پاسخ در واقع، تحدید اموال و دارایی‌های شخص بزهکار است که امروزه، با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر جهان، به‌عنوان پاسخی مناسب در برابر جرائم اقتصادی تلقی می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۵۱). در واقع، علت مالی بودن پاسخ این است که معمولاً مرتکبان این جرائم به دنبال سود و درآمد اقتصادی و امتیازهای اجتماعی و اقتصادی هستند؛ لذا قانون‌گذار برای ارباب و بازاریان بهتر از آن‌ها استفاده می‌کند. چراکه در پاسخ‌های مالی، بزهکار با دادن مال تنبیه می‌شود. از دیدگاه تحلیل اقتصادی، پاسخ‌های مالی از دو جهت بر پاسخ‌های غیرمالی ترجیح دارند: نخست، این که این پاسخ‌ها بار مالی چندانی ندارد؛ بنابراین، دولت دیگر نیازی ندارد که منابع مالی خود را برای آن هزینه نماید. ثانیاً، هزینه‌های اجرای این پاسخ‌ها در مقایسه با هزینه‌های اجرایی پاسخ‌های غیرمالی بسیار کم است (Miceli, 2004: 290) جزای نقدی، ضبط یا مصادره و استرداد اموال، پاسخ‌های مالی تعیین‌شده در مقررات پیش‌گفته برای مرتکبان جرائم بانکی است. یکی از کیفیتهایی که امروزه به دلایل مختلف از جمله سهولت اجرا، به نفع خزانه دولت بودن و عدم ایجاد عادت در بزهکاران مورد توجه نظام کیفری ایران قرار گرفته، جزای نقدی است (همتی، ۱۳۹۱: ۱۷۷). جزای نقدی در زمره پاسخ‌های مالی تعزیری اصلی یا تمیمی است و عبارت است از الزام بزهکار بانکی به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت. با توجه به اصل شخصی بودن کیفرها، فقط محکوم‌علیه جرم بانکی مسئول پرداخت جزای نقدی است و در صورت فوت او، از وراث قابل مطالبه نیست. گاهی مقنن، جزای نقدی را به‌عنوان پاسخ مالی اصلی جرم بانکی تعیین نموده است. در این صورت دادگاه مکلف به صدور حکم جزای نقدی است. گاهی قانون‌گذار علاوه بر تعیین کیفر اصلی حبس یا شلاق برای مرتکب جرم بانکی، جزای نقدی را به‌عنوان پاسخ مالی تکمیلی مقرر نموده است. در مقابل، دادگاه در صدور حکم به جزای نقدی به‌عنوان پاسخ مالی تکمیلی، گاهی مکلف است و گاهی مخیر. در برخی جرائم بانکی، قانون‌گذار حکم به جزای نقدی تکمیلی را به اختیار دادگاه قرار داده است و معمولاً بعد از تعیین مجازاتی از نوع دیگر مثل حبس، عبارت «و یا» را به‌کار برده است. چنانچه مقنن میزان جزای نقدی را در قبال یک جرم بانکی به مقداری ثابت و یا با حداقل و حداکثر مشخص تعیین نماید، جزای نقدی ثابت مطرح است. در جزای نقدی نسبی هم مبلغ مشخص و ثابتی برای جرم بانکی لحاظ نمی‌شود و هدف از آن این است که بزهکار بانکی را از تلاش برای دستیابی به منفعت ناحق، با تعیین جریمه‌ای بیش از عایدی آن جرم بانکی بازدارد. قوانین کیفری ایران، هر چند مصادره اموال گاهی به‌عنوان مجازات و گاهی به‌عنوان یک اقدام تأمینی و گاهی هم در مفهوم مدنی استرداد به‌کاررفته است؛ ولی بیش‌تر جنبه جزایی دارد (خواجوند و پور اسکندر، ۱۳۹۶: ۱۰۹). اصولاً موضوع اخذ مال از بزهکار بانکی و رد مال به صاحب آن به‌حکم قانون و به‌عنوان تکلیف بزهکار، با اتخاذ تصمیم از سوی مقام‌ها و مراجع قضایی است. در واقع مراجع قضایی دو وظیفه «اخذ اشیاء و اموال» و «استرداد اشیاء و اموال» را بر عهده‌دارند. معمولاً اموال حاصل از جرم از طرف مأموران کشف جرم، به‌منظور استرداد آن اموال به صاحب آن ضبط می‌گردد. استرداد اموال حاصله از جرم به مال‌باخته، ترمیم طبیعی و بازگشت عادی و مستقیم حق مورد تجاوز است (الهام و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۵). در برخی از جرائم بانکی نظیر کلاهبرداری بانکی، به جهت این که استرداد مال حاصل از جرم به‌حکم قانون است، لذا به تقدیم دادخواست ضرر و زیان نیازی نیست. لیکن در جرائمی مثل خیانت‌درامانت نسبت به وجوه سپرده‌گذاران توسط کارکنان بانک خصوصی، استرداد وجوه موضوع خیانت‌درامانت مستلزم تقدیم دادخواست از ناحیه سپرده‌گذاران بزه دیده است. در اهمیت این پاسخ مالی همین بس که کشورها با توجه به ضرورت امر و بنا به توصیه اسناد بین‌المللی و به‌منظور ایجاد انگیزه جهت مشارکت فعالانه دولت‌ها و سازمان‌ها در روند تعقیب بزهکار و همکاری برای توقیف و استرداد اموال ناشی از جرم، با تصویب قوانین داخلی، تنظیم توافق‌های دوجانبه و موردی و رویه‌هایی عملی، قواعد جدیدی تحت عنوان «تسهیم عادلانه اموال و عواید ناشی از جرم»

را ایجاد نموده‌اند تا هریک از آن‌ها به نسبت مشارکت در عملیات اجرایی، درصدی از اموال مصادره شده را بین خود تقسیم نمایند (رودگر کوهپیر و رضوی فرد، ۱۳۹۸: ۱۲۱) که این موضوع در عمل به‌عنوان راهبرد نوین همکاری کشورها در اخذ وجوه نقدی و اموال و عواید ناشی از جرم تحصیل شده از مرتکبان بسیار مؤثر بوده که به مالکان مشروع و قانونی مسترد و یا بین مراجعی که همکاری داشتند تقسیم می‌شود که این خود نیز در مقابله با جرائم به‌ویژه پیشگیری از فساد حکمرانان در نظام پولی و بانکی بسیار مؤثر می‌باشد.

### ۳-۴- پاسخ‌های غیر مالی

در نظام کیفری ایران، طیف پاسخ‌ها در مقررات ناظر بر جرائم بانکی از قبیل قانون مجازات اخلاق گران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، قانون دیوان محاسبات کشور، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون مبارزه با پول‌شویی و قانون مجازات اسلامی، از تنوع بالایی برخوردار است تا بدین ترتیب بزهکاران با خصوصیات روانی و اخلاقی مختلف را به سنجش سود و زیان ارتکاب بزه وادارد و هزینه‌های ارتکاب را از همه حیث افزایش دهد. برای بزهکاران چنین جرائمی در کنار پاسخ‌های مالی ضبط اموال حاصل از جرم، مصادره اموال و جزای نقدی، حسب مورد طیف وسیعی از انواع پاسخ‌های غیرمالی شامل کیفرهای اعدام، سلب آزادی، شلاق، محرومیت‌های اجتماعی، تشهیر، محرومیت از فعالیت اقتصادی، انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و غیره پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار در جهت بالا بردن هزینه ارتکاب بزهکاری بانکی، در کنار این تنوع، طی مقررات متعدد مانند قانون مجازات اخلاق گران در نظام اقتصادی کشور، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و قانون مجازات اسلامی تلاش نموده است تا پاسخ‌های شدیدی را هم برای مرتکبان این جرائم تعیین نماید. در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری برای پرداخت‌کننده رشوه، تعیین کیفر نشده بود. اما با تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، مقنن برابر ماده ۵۹۲ این قانون، مجازات حبس از ۶ ماه تا ۲ سال را و یا تا ۷۴ ضربه شلاق را برای مرتکب این جرم تعیین نمود. هرچند در راستای تشویق و ترغیب راشی به اعلام پرداخت رشوه، راشی مضطر یا گزارش‌دهنده پرداخت را از کیفر معاف نمود. ضربه زندگان به‌نظام بانکی، دارای مجازات‌های سنگین و تحت شرایطی تا حد اعدام می‌باشند. به‌عنوان مثال مطابق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، جعل هرگونه اسکناس رایج داخلی یا خارجی، اسناد بانکی یا اوراق بهادار صادره از بانک‌ها و خزانه، در صورتی که به‌قصد اختلال در وضع پولی یا بانکی و یا اقتصادی باشد و نیز ورود اسناد مجعول فوق به کشور با علم به مجعول بودن آن‌ها، در حالت عادی مستوجب مجازات تا ۲۰ سال حبس و در صورت وجود کیفیات مشدده، مجازات اعدام است. قانون مجازات اخلاق گران در نظام اقتصادی کشور بایبان جلوه‌هایی از اختلال در نظام اقتصادی کشور نظیر اختلال در نظام پولی و ارزی، رسیدگی به آن‌ها را در صلاحیت دادگاهی اختصاصی قرار داده است؛ این دادگاه مکلف است فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی نماید. مطابق تبصره ۵ ماده ۲ این قانون، هیچ‌یک از کیفرهای مندرج در این قانون قابل تعلیق، تخفیف و یا تعطیل نمی‌باشند. با این که در نظام کیفری ایران، شرط مسئولیت معاون، تحقق فعل مجرمانه اصلی است و لذا ترک فعل را شامل نمی‌شود، به‌موجب تبصره ۲ ماده ۲ مذکور، شخصی که با سکوت خود و عدم گزارش مراتب به مقام‌ها، موجب تسهیل در ارتکاب جرم گردد، معاون جرم محسوب می‌شود (نجفی، ۱۳۹۸: ۶۲). از جمله دلایل شدت عمل قانون‌گذار در این پاسخ‌گذاری، شرایط حاکم بر اقتصاد کشور پس از دوران جنگ، تحریم‌ها و دولتی بودن اقتصاد ایران است. به‌طور کلی در سیاست جنایی ایران، پاسخ‌های کیفری عمده‌ترین نظام پاسخ‌دهی در زمینه جرائم بانکی است و پاسخ‌های تدریجی و هرمی در مقررات ناظر بر جرائم بانکی جایگاه محدودی دارد. تنها شیوه تعیین پاسخ‌دهی مرحله‌ای در این قوانین حالتی است که اقدام فرد مرتکب، به‌قصد براندازی حکومت

و مقابله با نظام باشد، در چنین صورتی مجازات فرد مرتکب اعدام خواهد بود. برای مثال در ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور آمده است: «هر یک از اعمال مذکور دریندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از ۵ سال تا ۲۰ سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به‌عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به‌دست‌آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انتظار عمومی محکوم نماید».

#### ۴-۴- پاسخ‌های نظام غیر کیفری

مطالعه تاریخ تحولات حقوق کیفری حکایت از این دارد که همواره پاسخ‌های نظام کیفری مدنظر سیاست‌گذاران جنایی جوامع مختلف بوده، اما به‌مرور زمان نقش پاسخ‌های کیفری در آموزه‌های کیفر شناختی و جرم شناختی کم‌رنگ شده و بر الگوی جایگزینی از نوع پاسخ نظام‌های غیر کیفری تأکید شده است (علیزاده و جاهد، ۱۳۹۸: ۱۱۷)، به‌نحوی که مقام قضایی بایستی علاوه بر رفتار ارتکاب، به مرتکب و شخصیت، موقعیت مادی، خانوادگی یا اجتماعی وی توجه خاص نموده و در این‌راستا به پاسخ‌های جایگزین نظام کیفری به‌ویژه پاسخ‌های حقوقی، انتظامی، اداری و صنفی بذل و عنایت ویژه داشته باشد. گفتار حاضر به‌منظور تبیین جایگاه پاسخ نظام‌های غیر کیفری در قبال تخلفات و جرائم بانکی، ضمن معرفی این پاسخ‌ها در مقررات پولی و بانکی، موجبات و موارد تمسک به این پاسخ‌ها را تبیین می‌نماید و ثابت می‌نماید که پاسخ نظام‌های غیر کیفری در حقیقت ابزاری برای استفاده از اقدام‌هایی است که می‌تواند روند اصلاح بزهکاران را سرعت بخشد و البته در صورتی که این پاسخ‌دهی‌های غیر کیفری مفید خواهند بود که تدابیر لازم مبنی بر فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه و محاکم صورت پذیرد.

#### ۴-۵- پاسخ‌های حقوقی و انتظامی

اگرچه پاسخ‌های کیفری شایع‌ترین پاسخ به بزهکاری است، اما در سیاست جنایی علاوه بر آن می‌توان از پاسخ سایر نظام‌های حقوقی از جمله پاسخ‌های مدنی و انتظامی نیز یاد کرد که دارای ویژگی‌های پاسخ‌های کیفری نیستند. در واقع وجه مشترک پاسخ‌های کیفری و سایر انواع پاسخ‌ها به بزهکاری، این است که هر دو در مقام واکنش نسبت به جرائم و بزهکاران مورد استفاده قرار می‌گیرند. لیکن صرف‌نظر از این وجه اشتراک، تفاوت‌های عمده‌ای میان پاسخ‌های کیفری و سایر نظام‌های حقوقی وجود دارد. منظور از پاسخ‌های غیر کیفری، پاسخ‌هایی است که بدون ماهیت رنج‌آور، محروم‌کننده و صدمه‌زننده نسبت به بزهکاران ارائه می‌شوند. پاسخ‌های حقوقی و انتظامی مدنظر در این بند مشتمل بر مجموعه‌ای از تدابیر و اقدام‌هایی هستند که گاه به‌منظور جایگزینی پاسخ نظام کیفری و کاهش آثار زیان‌بار آن و گاه تحت تأثیر اصول بنیادین حقوق کیفری مانند اصل حداقل بودن حقوق جزا و در نتیجه ضرورت توسل حداقلی به مجازات، خواه توسط دستگاه عدالت کیفری یا با مشارکت بزهکار و یا جامعه برای مقابله با تخلفات و جرائم بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

#### ۴-۵-۱- پاسخ‌های حقوقی

مهم‌ترین مساله بعد از وقوع بزهکاری، جبران خسارت بزه دیده است. بدیهی است همه نگاه‌ها در وهله نخست به‌سوی خود بزهکار معطوف شود، لیکن واقعیت این است که دلایل متعددی همچون شناخته نشدن بزهکار، فقدان یا عدم کفایت ادله اثبات بزه، فرار یا کشته شدن بزهکار، عدم تمکن مالی بزهکار، طولانی بودن فرایند رسیدگی و مهلت‌دار بودن پرداخت و ... در عمل موجب عدم تأدیه خسارت‌های وارده بر بزه دیدگان می‌شوند. این در حالی است که خسارت بزه دیده بالفعل است و لذا می‌طلبید که جبران بالفعل هم صورت بگیرد. اما در عمل نمی‌توان

از طریق بزهکار به جبران فوری و کامل خسارت بزه دیدگان رسید. در حوزه بزهکاری بانکی نیز با توجه به گستره امکانات مالی دولت، نگاهها در موارد بزه دیدگی امور پولی و بانکی عمدتاً به دولت معطوف می‌گردد. در نتیجه جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت با عنوان «اصل جبران دولتی خسارت» یاد می‌شود که در حال حاضر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست جنایی کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی درآمده است. برای جبران دولتی خسارت، اهداف متعددی می‌توان ذکر نمود که از جمله آن عبارتند از:

۱. بهبود سریع وضع بزه دیدگان
۲. پیشگیری از بزه دیدگی ثانویه
۳. پیشگیری از انتقام خصوصی بزه دیده یا بستگان وی
۴. پیشگیری از تبدیل بزه دیده به بزهکار
۵. کاهش رقم سپاه بزهکاری
۶. تشویق اشخاص به تبعیت از توصیه‌ها و تدابیر پیشگیرانه وضعی (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

اندیشه جبران دولتی خسارت با حمایت معنوی مکاتب حقوق کیفری و اندیشمندان، شکل قانونی به خود گرفت و شورای اروپا با تصویب کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرائم خشونت‌بار مصوب ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ، در آن نقش به‌سزایی داشته است که با ایجاد سند منطقه‌ای الزام‌آور، گامی مهم در این حوزه برداشته است (European Convention of Victims of Violent Crimes, 1983) سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ با تصویب «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»، کشورهای عضو را دعوت به فراهم نمودن خسارت‌های بزه دیدگان نمود. هرچند اعلامیه فوق الزام‌آور نبوده، لیکن از تأثیر مثبت آن ناپستی غافل شد. هم‌چنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ قطعنامه‌ای را درباره حمایت از حقوق انسانی قربانیان بزهکاری و قربانیان سوءاستفاده از قدرت به تصویب رساند. باید توجه داشت که در بخش جرائم بانکی، رفتارهایی جرم انگاری شده‌اند که در ذات و ماهیت خود مجرمانه نیستند. یکی از راه‌های تفکیک تخلفات بانکی از جرائم بانکی، تفکیک بر اساس ماهیت و طبیعت ذاتی این اقدام‌ها است. تناسب بزه با کیفر یکی از اصول حاکم بر نظام پاسخ‌دهی است. متولیان سیاست جنایی باید در جرم انگاری جرائم بانکی، پاسخ‌دهی مناسبی داشته باشند تا در زمان اجرا و عمل از یک‌سو بازدارندگی و کارآمدی لازم را داشته باشد و درعین حال قضات به دلیل عدم تناسب بزه با کیفر از تعیین آن پاسخ به انحای مختلف سرباز نزنند. هرگاه مقصود از کیفر سودمند بودن آن باشد، وظیفه مقنن است تا در هر مورد میزان کارایی پاسخ را سنجیده و متناسب با رفتار مجرمانه و ضرر و زیانی که به نظم عمومی جامعه وارد آورده، پاسخ جامعه را به‌صورت قوانین کیفری درآورد. تصویب و اجرای منطقی کیفرها و رعایت تناسب مجازات با جرم می‌تواند در کاهش بزهکاری مؤثر باشد. قانون‌گذار در بند الف ماده ۱۱ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری قوه قضائیه را ملزم نموده است تا ظرف یک سال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرائم موضوع این قانون و بررسی خلأهای موجود، لایحه‌ای جامع باهدف پیشگیری مؤثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازات‌ها با جرائم، تدوین نماید و در اختیار دولت قرار دهد تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد. پاسخ‌های کیفری به تشریفات طولانی و پیچیده برای محکوم کردن اشخاص نیاز دارند و میزان کم‌تری از ضرر و زیان را جبران خواهند نمود. بر این اساس، هر دو پاسخ کیفری و حقوقی می‌بایستی مجاز باشند. لیکن پاسخ کیفری را تنها برای جرائم شدیدتر باید تجویز نمود و از کنترل‌های درونی شرکت یا سازمان بیش‌تر استفاده شود (نجفی، ۱۳۹۸: ۶۳). این در حالی است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به‌طور کلی در خصوص مرتکبان جرائم اقتصادی هرچند پاسخ‌های متنوعی از تشهیر آن‌ها از طریق نشر در روزنامه کثیرالانتشار تا محرومیت از تسهیلات مقرر در قانون برای مجرمان عادی، محرومیت از تعلیق، تعویق و مرور زمان را در نظر گرفته است، لیکن از تعیین پاسخ‌دهی هرمی در این قانون هم خودداری شده است. در قانون ارتقاء سلامت نظام

اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ نیز پاسخ‌های مقرر به صورت هر می تعیین نشده است و تنها در یک مورد برابر بند ۲-۳ از شق ب ماده ۵ این قانون، تکرار جرم مستوجب تشدید پاسخ دانسته شده است.

#### ۴-۵-۲- پاسخ های انتظامی

نظارت بانکی مؤثر از جمله پیش‌شرط‌های اساسی در پاسخ‌دهی انتظامی برای حصول اطمینان از صحت عملکرد نظام اقتصادی کشور است. هدف اصلی نظارت بانکی، حفظ ثبات نظام مالی و افزایش اعتماد به آن از طریق کاهش ریسک برای سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران است. از این رو نظارت در پی آن است تا اطمینان یابد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به شیوه‌ای ایمن و صحیح عمل نموده و مقررات پولی و بانکی را رعایت می‌نمایند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نهاد پاسخ‌دهی انتظامی به‌موجب بند ب ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را بر عهده دارد. این نهاد از اواخر دهه هفتاد با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای مراکز و مجامع حرفه‌ای و تخصصی، رویکرد نظارت مبتنی بر ریسک را به‌عنوان رویکرد اصلی در نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور اتخاذ نموده است و در این راستا با تجدید ساختار سازمانی حوزه نظارت بر بانک‌ها و تدوین مقررات احتیاطی، در جهت پیشگیری و مقابله با تخلفات انتظامی در حوزه پولی و بانکی بر فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نظارت می‌نماید. شورای پول و اعتبار با حضور کلیه اعضاء و هم‌چنین دادستان کل کشور در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۲ با اتخاذ تصمیم‌هایی در خصوص تفکیک رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل بانک‌ها، تشکیل کمیته انتظامی و تقویت کنترل داخلی بانک‌ها در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. در بانک‌های دولتی و بانک‌های تازه خصوصی شده همچون صادرات، ملت، تجارت و رفاه کارگران؛ رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شخص واحدی بود که شورای پول و اعتبار در این جلسه تصمیم به تفکیک این دو گرفت. بدین ترتیب با این شیوه، اجرا و نظارت از هم جدا شده و کنترل‌ها دقیق‌تر صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب با تشکیل هیئت انتظامی بانک‌ها و اضافه شدن عضو جدید به شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی در پاسخ‌دهی انتظامی به متخلفان در نظام بانکی کشور، سازوکارهایی چون تقویت کادرهای بازرسی، کوتاه نمودن دوره‌های نظارت، ایجاد مکانیزم نظارت آنلاین و سیستم جامع اعتباری را ایجاد نموده است. البته در این نظام پاسخ‌دهی انتظامی هم بایستی از ظرفیت‌های مشارکت مردم استفاده نمود و لذا هرگاه شهروندان تخلف بانکی را مشاهده نمایند، می‌توانند بلافاصله به بازرسان داخلی بانک‌ها و هم‌زمان به اداره نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی اطلاع دهند تا نسبت به متخلفان پاسخ متناسب انتظامی داده شود. در این میان، برای اجرای مؤثر و اثربخش پاسخ‌دهی انتظامی، واحد تطبیق می‌بایستی جایگاه سازمانی متناسب با وظایف محوله به این واحد در نظام بانکداری ایجاد شود. به‌طور کلی مقررات بانکداری که بانک‌ها ملزم به رعایت آن‌ها هستند، قوانین و مقررات ابلاغی و رهنمودها و توصیه‌های نهادهای قانون‌گذار و ناظر برون‌سازمانی داخلی و بین‌المللی و بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های داخلی بانک‌هاست به‌نحوی که عدول از این قوانین ریسک تطبیق را در بانک افزایش می‌دهد. ریسک تطبیق احتمال انحراف فعالیت موسسه اعتباری از این قوانین و استانداردها را نشان می‌دهد که عواقب آن شامل جریمه، مجازات‌های قانونی، تنبیهات نظارتی و مواجهه با زیان‌های حائز اهمیت و یا آسیب وارد شدن به حسن شهرت مؤسسات اعتباری است. بدین ترتیب مدیریت ریسک تطبیق در واقع فرآیند شناسایی، ارزیابی، اندازه‌گیری، واکنش مناسب نسبت به این ریسک و نیز پایش و نظارت مستمر بر آن است. پیاده‌سازی مناسب مکانیزم و فرآیندهای مدیریت ریسک تطبیق در شبکه بانکی، نیازمند استقرار ساختار سازمانی مناسب برای مدیریت این نوع از ریسک است. (جامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹). برخلاف واحد تطبیق که بر لزوم استقلال آن تأکید می‌شود، در ساختار سازمانی شبکه بانکی ایران ساختارهای متعددی نیز وجود دارند. در برخی بانک‌ها کمیته رعایت قوانین و مقررات ذیل هیات مدیره به‌عنوان بالاترین مقام سازمانی آن قرار گرفته و پس‌از آن واحد یا اداره کل رعایت قوانین و مقررات ذیل مدیرعامل یا قائم‌مقام وی است. در برخی

بانک‌های دیگر کمیته عالی رعایت قوانین و مقررات و واحد یا اداره کل رعایت قوانین و مقررات هر دو تحت نظارت مستقیم مدیرعامل فعالیت می‌نمایند. هم‌چنین در مواردی کمیته عالی مدیریت ریسک ذیل مدیرعامل و هیأت مدیره و اداره کل تطبیق و مبارزه با پول‌شویی نیز تحت مدیریت امور نظارت و تطبیق فعالیت می‌نماید. یکی از نکات مهم در چارچوب مدیریت ریسک تطبیق ارتباط آن با دیگر واحدهای مدیریت ریسک بانک و نیز با واحد حسابرسی داخلی است. بر اساس استاندارد بال (۲۰۱۲) واحد حسابرسی داخلی می‌بایست به صورت مستقل میزان اثربخشی و کارایی کنترل داخلی، مدیریت ریسک و سیستم‌های حاکمیتی و فرآیندهای ایجادشده توسط واحدهای تجاری را ارزیابی و از این کارکردها حمایت نموده و اطمینان خاطر را درباره کفایت این فرآیندها و سیستم‌ها فراهم آورد. بر اساس توصیه‌های کمیته بال، کنترل و نظارت بانکی زمانی می‌تواند به‌طور مؤثر انجام شود که یک نظام راهبری مطلوب بر بانک حاکم باشد و در این راستا، ضروری است که بانک مرکزی هم به‌عنوان یک نهاد نظارتی از وجود یک نظام راهبری کارا در بانک‌های تحت نظارت خود اطمینان حاصل نماید، ضمن این‌که نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هم تأکید می‌نمایند که حل بسیاری از مسائل و مشکلات بانک‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص و بحران‌آفرینی این فعالیت، درگرو پیاده شدن یک «نظام راهبری کارآمد» هست (کره نوری، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۹). بر این اساس، این استاندارد رابطه بین واحدهای عملیاتی بانک، واحدهای پشتیبانی و حسابرسی داخلی را با استفاده از یک مدل کنترلی سه سطحی توضیح می‌دهد. واحدهای عملیاتی اولین سطح این مدل هستند. این واحدها در محدوده تعیین‌شده برای پذیرش ریسک، مسئول شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسک‌های مربوط به کسب‌وکار خود هستند. دومین سطح کنترلی شامل واحدهای پشتیبانی مانند واحدهای مدیریت ریسک، تطبیق، حقوقی، منابع انسانی، تأمین مالی، عملیات و فناوری می‌شود. هر یک از این واحدها، با برقراری ارتباط نزدیک با واحدهای عملیاتی، اطمینان حاصل می‌نمایند که ریسک‌های موجود به شکل مناسب شناخته و مدیریت شده‌اند. واحدهای پشتیبانی به تعریف راهبرد، پیاده‌سازی رویه‌ها و سیاست‌های بانک و جمع‌آوری اطلاعات برای ایجاد نگرشی درباره ریسک در سطح کل بانک کمک می‌نمایند. سومین سطح کنترلی، حسابرسی داخلی است که به‌طور مستقل، اثربخشی فرآیندهای ایجادشده در سطوح اول و دوم کنترلی را ارزیابی نموده و درباره صحت این فرآیندها اطمینان حاصل می‌نمایند.

## ۵- نتیجه گیری و پیشنهاد

جرائم بانکی که هم‌زمان با شکل‌گیری جوامع جدید، پدید آمده‌اند، همگام و متناسب با پیشرفت و ترقی سیستم‌های پولی و مالی کشورها، پیچیدگی و گستردگی بیشتری پیدا کرده‌اند. از جمله آثار مهم اجتماعی و اقتصادی این جرائم، انتقال قدرت اقتصادی از بازار، دولت و شهروندان به مجرمان و سازمان‌های مجرمانه است تا جایی که در صورت گسترش این جرائم در جامعه و عدم مبارزه جدی با آن‌ها و افزایش قدرت بزهکاران حوزه بانکی، به‌نوعی دولت تحت کنترل آن‌ها قرار می‌گیرد. لذا آسیب‌پذیری اقتصاد و سیستم بانکی کشورها بر اثر جرائم بانکی، یکی از مباحث مطرح در دنیای کنونی است. بنابراین یکی از چالش‌های فراروی پیشگیری و مقابله با جرائم بانکی در ایران، ناشناخته ماندن پیامدها و آثار زیان‌بار این جرائم است که باعث شده حساسیت ویژه‌ای برای رویارویی با آن‌ها ایجاد نشود. اقتصاد نقش کلیدی در زندگی بشر بازی می‌کند. به همین دلیل مبارزه با مفسدات اقتصادی دارای جایگاه ویژه‌ای است. جرائم اقتصادی و مالی از جرمی هستند که دام‌گیر اقتصاد جامعه شده است و مانع فعالیت اقتصادی پویای اجتماع می‌شوند. هر چند در مجموعه مقررات کیفری، عناوین مجرمانه زیادی وجود دارد که بسیاری از آن‌ها می‌توانند از مصادیق جرائم اقتصادی به شمار آیند، لیکن جرائم بانکی، رفتارهای مجرمانه در حوزه پولی و بانکی هستند که برخی مصادیق آن مثل پول‌شویی از حیث قلمرو ارتكابی، از محدوده کشورها هم فراتر رفته و به یک معضل جهانی تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که بر اقتصاد جهان سایه انداخته و امنیت اقتصادی کشورها را مختل نموده است. جرائم بانکی مانند هر جرمی دیگر از ابعاد

مختلفی چون عوامل اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی و برخی پارامترهای حقوقی قابل بررسی است. لیکن جرائم بانکی می‌بایستی در مطالعات سیاست جنایی مجزا در نظر گرفته شوند. بر این اساس، برای پیشگیری و مقابله با این جرائم در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی حساسیت زیادی به وجود آمده است. نتایج و یافته‌های این پژوهش در پاسخ به این دو سؤال اصلی که راهبردهای سیاست جنایی ایران در قبال جرائم بانکی کدامند؟ و راهبردهای انطباقی و انقطاعی سیاست جنایی ایران در حوزه جرائم بانکی با اسناد بین‌المللی چگونه باید باشد؟ مؤید اثبات این فرضیه‌ها می‌باشد که پول‌شویی، اخلال در نظام پولی و بانکی و جرم انگاری برخی از سوءاستفاده‌های مالی و اجرای بانکداری الکترونیک از جمله راهبردهایی هستند که در کنار تدابیر پیشگیرانه عام، در مقررات داخلی مدنظر بوده است. وانگهی، سیاست‌گذاری سرکوبگرانه با تفوق نظام کیفری و پاسخ‌گویی دولتی به جرائم بانکی بدون تغییر مدل مرجع، در ایران راهبردی انطباقی بوده که با راهبرد انقطاعی سیاست جنایی فعال اسناد بین‌المللی دایر بر تغییر و جهش از مدل غالب دولتی به جامعه‌ی، سنخیتی ندارد. از این‌رو، برای کاهش بزهکاری در حوزه پولی، ارزی و بانکی و برون‌رفت از چالش‌ها و اثرهای سوء جرائم بانکی در ایران، راهکارهای علمی، کاربردی و پژوهشی ذیل به مقنن، قضات، سیاست‌گذاران نظام پولی و بانکی و محققان علاقه‌مند به این حوزه پیشنهاد می‌گردد:

۱. سیاست‌گذاران نظام بانکی ایران می‌بایستی با پیاده‌سازی نظامات و دستورالعمل‌های مرتبط با قوانین مبارزه با پول‌شویی در جهت استانداردهای این حوزه حرکت نموده و مسیر را برای مراودات بین‌المللی هموار نمایند.
۲. با توجه به جایگاه جرائم بانکی در نظام اقتصادی و مالی کشور، برای پیشگیری و مقابله با این جرائم، تدوین و ارائه الگوی بومی متناسب با نظام بانکداری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
۳. جرم‌زدایی از عناوین مجرمانه بانکی غیرضروری و جرم انگاری جرائم نوظهور در حوزه بانکداری الکترونیکی در سیاست‌گذاری‌های تقنینی می‌بایستی مدنظر قرار گیرند.
۴. با تصویب قانون جامع مدیریت نظام بانکی و توجه به آموزه‌های پیشگیرانه اسناد بین‌المللی می‌توان از اثرهای سوء جرائم بانکی در جامعه کاست و در نهایت شاهد کاهش بزهکاری در حوزه پولی، ارزی و بانکی گردید.
۵. با اختصاص دادرها و محاکم ویژه رسیدگی به جرائم بانکی و اجرای دوره‌های کاربردی حقوق کیفری بانکی و آئین دادرسی افتراقی این جرائم برای قضات، در جهت بازدارندگی و اتخاذ پاسخ متناسب با بزهکاری بانکی، از مدیران بانکی مجرب به‌عنوان مشاور در نظام قضایی استفاده گردد.
۶. پژوهشگران شاغل در سیستم بانکی کشور با انجام تحقیقات میدانی و آماری بین‌رشته‌ای، می‌توانند فراوانی نرخ بزهکاری بانکی را در ایران به‌منظور ارائه راهبردهای پیشگیرانه کاربردی آسیب‌شناسی نمایند.

#### منابع

۱. ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ دانیالی، قربان (۱۳۹۷)، «تدوین الگوی راهبردی پیشگیری از پول‌شویی در ساختار بانکی کشور (مطالعه موردی بانک صادرات ایران)»، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۶، شماره ۶
۲. الهام، غلامحسین؛ احمدی، زهرا (۱۳۹۵)، «بررسی ضمانت‌اجراهای مالی در زمینه حقوق رقابت»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲
۳. بیگی، حسین؛ بیگی، جمال؛ احدی، فاطمه (۱۴۰۰)، «راهبردهای جرائم بانکی در سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی»، فصلنامه علمی مطالعات زاهدی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۸

۴. پرنیا باران، حسین (۱۳۸۹)، «*تحلیل جرائم مالی کارکنان بانک*»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۵. تقوی فرد، سید محمدتقی؛ برزده، سید محمد (۱۳۹۴)، «*بانکداری الکترونیک (انقلاب فناوری اطلاعات در نظام بانکی)*»، تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
۶. جامی، مجید؛ واحدی، محمدحسن؛ تازی، حمید (۱۳۹۸)، «*تأثیر نظارت و بازرسی و سودآوری بانک با بررسی مشتری مداری*»، فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، دوره ۳، شماره ۷.
۷. حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۰)، «*جبران دولتی خسارت بزه دیده و سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران: از هست ها و نیست ها تا بایدها و نبایدها*»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱.
۸. خواجوند، مظاهر؛ پور اسکندر، عادل (۱۳۹۶)، «*مصادره اموال در حقوق ایران با تأکید بر رویه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی*»، فصلنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۲۲.
۹. رجبیه، محمدحسین؛ توکلی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، «*پیشگیری از جرائم بانکی با تأکید بر اصلاح ساختار بانکها در نظام حقوقی ایران*»، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۳.
۱۰. رودگر کوهپیر، عطاء اله؛ رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۸)، «*تسهیم اموال: راهبرد نوین همکاری کشورها در زمینه استرداد اموال و عواید ناشی از جرم*»، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۶.
۱۱. ساداتی، سید حمیدرضا؛ قربان پور، حمید (۱۳۹۸)، «*تحلیل تأثیر ماهیت استخدامی کارکنان بانکها در عناوین متفاوت جرائم ارتكابی؛ بایدها و نبایدها*»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۴۰.
۱۲. سعیدی مهرآباد، محمد؛ جهانگرد، محمدرضا (۱۳۸۸)، «*بانکداری مجازی به عنوان یکی از راههای ایجاد احساس امنیت خاطر در اقشار نظامی و بررسی علل عدم استقبال عموم مردم ایران از بانکداری مجازی*»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۳۵.
۱۳. شایگانی، بیتا؛ داداشی؛ لیلیا (۱۳۹۴)، «*بررسی اثر گسترش بانکداری الکترونیکی بر کاهش هزینه‌های بانکها (منتخبی از بانک‌های خصوصی)*»، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، شماره ۱۳.
۱۴. شیری، عباس (۱۳۹۷)، «*سیاست‌گذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان*»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۴، شماره ۱.
۱۵. علیزاده، رامین؛ جاهد، محمد علی (۱۳۹۸)، «*موجبات و موارد توسل به پاسخ‌های غیر کیفری به جای پاسخ‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۹.
۱۶. کاظمی، قباد (۱۳۸۶)، «*ردیابی، ضبط و مصادره عواید ناشی از فساد در چهارچوب عدالت کیفری یا خارج از آن*»، فصلنامه حقوقی دادگستری، دوره ۷۱، شماره ۶۱.
۱۷. کبیری، سهیل؛ شفیعی خورشیدی، علی اصغر (۱۳۹۷)، «*اخلال در نظام اقتصادی کشور*»، چاپ اول، تهران: نشر مجد.
۱۸. کردنوری، مجتبی (۱۳۸۶)، «*نظام راهبری مطلوب، ضامن کارایی نظارت بانکی است*»، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۸۸.
۱۹. نجفی توانا، علی؛ مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۹۲)، «*جرم‌انگاری در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران*»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۵، شماره ۸.

۲۰. نجفی، سینا (۱۳۹۸)، «رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی در نظام پولی و بانکی کشور»، فصلنامه مطالعات نوین بانکی، دوره ۲، شماره ۴

۲۱. همتی، مریم (۱۳۹۱)، «اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲۱

22. Ashworth, Andrew (2000), *"Sentencing & Criminal Justice"*, 3rd Eds, London: Butter worth.
23. Committee on Government Operations (2019), *"Crimes against Banking Institutions: Hearings Before the United States House Committee on Government Operations, Subcommittee on Legal & Monetary Affairs"*, Eighty-Eighth Congress, SPM Publications, Washington.
24. European Convention of Victims of Violent Crimes (1983), 24 Nov
25. Freckelton, Ian (1996), *"Introduction: Criminal Sentencing, in the Laws of Australia"*, Sydney: Law Book Co.
26. Miceli, Thomas J. (2004), *"The Economic Approach to Law"*, Stanford, California.
27. Mulligan, Erin M. (2015), *"Evaluating the Social Control of Banking Crimes: An Examination of Anti-Money Laundering Deficiencies & Industry Success, Graduate Theses & Dissertations, Doctor of Philosophy,"* Department of Criminology, College of Behavioral & Community Sciences, University of South Florida
28. Pandey, I.M (2015), *"Financial Management"*, 11th Edition, Vikas Publishing House Pvt Limited.
29. Villa, John K. (2019), *"Banking Crimes: Fraud, Money Laundering, & Embezzlement"*, New Edition, 2019-2020 Ed, New York: West Group.